

نگته تاریخی

ارزش یادگاری نویسی  
عضد الدوله در تخت جمشید!

بسم الله بر ملك الملوك، ما جاء به الله به  
و صلا الله و عباد الله ابو نصر بن محمد  
الدوله و باحاطه حرس الله و لاهو و لاهو  
رجا الموضع مصداق مع عسكر منكم  
و صه الله لاهو او منصور بر ما الدوله و صلا  
الله و عباد الله اظلال الله بقلوبه و صه  
امير و مستر و باده

عضدالدوله دیلمی، بزرگترین فرمانروای آل بویه که بین سال‌های ۳۳۸ تا ۳۷۲ ه‍.ق، بر بخش وسیعی از خاورمیانه حکومت کرد، هنگامی که از فتح اصفهان در ماه صفر سال ۳۴۴، به سوی پایتخت خود، شیراز، در حرکت بود، مدتی را در نزدیکی تخت جمشید، رحل اقامت افکند. عضدالدوله، پس از فهمیدن محتوای کتیبه‌ها، دستور داد تا بر سنگی که در کاخ «تچر» قرار دارد، دو کتیبه به زبان عربی و به خط کوفی حکاکی کنند. در کتیبه اول نوشت: «به نام خدا. فرمانروای بزرگ همایون، عضدالدوله پناه خسرو، پور حسن رکن الدوله دیلمی، این بنا را در سال ۳۴۴ هجری قمری دید به هنگامی که از فتح اصفهان و اسارت پسر ماکان و شکست سپاه خراسان (سامانی)، پیروز مندان به شیراز باز می‌گشت و او شخصی را که توانست نوشته‌های کنده شده بر این آثار را بخواند، به پیشگاه خود احضار کرد.» سپس در کتیبه دوم، افزود: «امیر ابوشجاع عضدالدوله، که خدا یارش باد، در این جا، در صفر سال ۳۴۴ هجری قمری حاضر آمد و نوشته روی این آثار بروی خوانده شد. آن را علی بن سری کاتب، از کرخ و موید مار سفند کارزونی خواندند.» نکته بسیار مهمی که از این دو کتیبه یادگاری در تخت جمشید به دست می‌آید و بسیار شگفت انگیز است، وجود افرادی است که می‌توانستند خطوط میخی دوره هخامنشی به زبان ایلامی و فارسی باستان را بخوانند. یکی از این افراد، یعنی علی بن سری، ساکن بغداد بود و او را از آن شهر برای مطالعه خط احضار کردند. فاصله دوره هخامنشی تا عصر دیلمیان، چیزی حدود هزار و پانصد سال است و در این مدت، ایرانیان فرایند‌های متوالی و زیادی را در تغییرات زبانی تجربه کردند؛ اما در سال ۳۴۴ ه‍.ق، هنوز هم افراد آشنایه خط میخی و زبان فارسی باستان وجود داشتند و این مسئله می‌رساند که ما باید رویکرد ذهنی مان را درباره دانش گذشتگان، به کلی تغییر دهیم.

## دختر مظفرالدین شاه؛ بنیان گذار تاکسیرانی در ایران!

فخرالدوله چگونه به فکر راه اندازی بورس و استفاده از شیوه‌های نوین اقتصادی در حمل و نقل عمومی افتاد؟

جواد نوائیان رودسری – هر چند که زنان قدرتمند در دوره قاجاریه، جمعیت معتنا بهی را تشکیل نمی‌دادند، اما این وضعیت، اصلاً به معنای حضور نداشتن نسلوان در عرصه سیاست، فرهنگ و اقتصاد آن دوره نبود؛ در هر کجا که فرصتی پیش می‌آمد، بانوان با توجه به موقعیت پیش آمده، نشان می‌دادند که در زمینه کار و فعالیت‌های اجتماعی، کم از مردان نیستند و می‌توانند نقش مؤثری در ایجاد تغییر داشته باشند. این مهم، به ویژه بعد از پیروزی انقلاب مشروطیت، بیشتر به چشم آمد و به خصوص زنان طبقات بالای جامعه، به تکاپوهای گسترده‌ای برای ایفای نقش بهتر در عرصه‌های مختلف پرداختند. با این حال، بیشتر این اقدامات، محدود به فعالیت‌های فرهنگی و احیاناً سیاسی بود و کمتر پیش می‌آمد که یک خانم، شَم اقتصادی خود را به رخ دیگران بکشد؛ اما در مورد «اشرف الملوک فخرالدوله»، وضعیت فرق می‌کرد؛ او دُر دانه مظفرالدین شاه و دختر سرور السلطنه بود؛ مادرش به عنوان زن عقدی شاه قاجار، همه کاره دربار محسوب می‌شد و جناح خودش را داشت و این مسئله، با توجه به حالت جسمی مظفرالدین شاه و ضعف قوای دماغی وی، قدرت فراوانی به سرور السلطنه می‌داد. فخرالدوله که ظاهر آسومین فرزند و حاصل وصلت پسر ناصرالدین شاه با خواهر عبدالحسین میرزا فرمانفرما بود، اخلاق و رفتاری متفاوت نسبت به دیگر دختران درباری داشت؛ او ذاتاً به فعالیت‌های اقتصادی علاقه‌مند بود و اصولاً

ورود وی به عرصه بازی‌های سیاسی هم، بیشتر با همین نیت صورت می‌گرفت.

### ■ کسوت مردانه فخرالدوله

فخرالدوله از همان نخستین روزهای ازدواج، نشان داد که هم شَم سیاسی دارد و هم شَم اقتصادی. او پس از عزل پدرش و هر چند که زنان قدرتمند در دوره قاجاریه، جمعیت معتنا بهی را تشکیل نمی‌دادند، اما این وضعیت، اصلاً به معنای حضور نداشتن نسلوان در عرصه سیاست، فرهنگ و اقتصاد آن دوره نبود؛ در هر کجا که فرصتی پیش می‌آمد، بانوان با توجه به موقعیت پیش آمده، نشان می‌دادند که در زمینه کار و فعالیت‌های اجتماعی، کم از مردان نیستند و می‌توانند نقش مؤثری در ایجاد تغییر داشته باشند. این مهم، به ویژه بعد از پیروزی انقلاب مشروطیت، بیشتر به چشم آمد و به خصوص زنان طبقات بالای جامعه، به تکاپوهای گسترده‌ای برای ایفای نقش بهتر در عرصه‌های مختلف پرداختند. با این حال، بیشتر این اقدامات، محدود به فعالیت‌های فرهنگی و احیاناً سیاسی بود و کمتر پیش می‌آمد که یک خانم، شَم اقتصادی خود را به رخ دیگران بکشد؛ اما در مورد «اشرف الملوک فخرالدوله»، وضعیت فرق می‌کرد؛ او دُر دانه مظفرالدین شاه و دختر سرور السلطنه بود؛ مادرش به عنوان زن عقدی شاه قاجار، همه کاره دربار محسوب می‌شد و جناح خودش را داشت و این مسئله، با توجه به حالت جسمی مظفرالدین شاه و ضعف قوای دماغی وی، قدرت فراوانی به سرور السلطنه می‌داد. فخرالدوله که ظاهر آسومین فرزند و حاصل وصلت پسر ناصرالدین شاه با خواهر عبدالحسین میرزا فرمانفرما بود، اخلاق و رفتاری متفاوت نسبت به دیگر دختران درباری داشت؛ او ذاتاً به فعالیت‌های اقتصادی علاقه‌مند بود و اصولاً

### ■ نامزد مصدق!

یکی از فرازهای مهم زندگی فخرالدوله، ماجرای ازدواج اوست؛ ۱۴ ساله بود که

تصویر فخرالدوله در قاهره هنگامی که به سفر حج رفته بود

نجم السلطنه، خاله وی و مادر دکتر مصدق، تصمیم گرفت فخرالدوله را برای پسرش عقد کند. مقدمات فراهم شد و قرار و مدارها را هم گذاشتند، ولی شاه قاجار ناگهان تغییر عقیده داد؛ چرا؟ چون فکر می‌کرد خانواده نجم السلطنه خیلی قدرتمند نیست! این شد که فخرالدوله به عقد محسن خان امین الملک، پسر علی خان امین الدوله درآمد؛ مردی که در زمان ناصرالدین شاه رئیس دارالشورای کبری بود و در دوره مظفرالدین شاه، مدتی سمت صدر اعظمی داشت. محسن خان امین الملک برای ازدواج با فخرالدوله، همسر اولش را طلاق داد. به این ترتیب، دل دکتر مصدق هم شکست!

### ■ فعالیت‌های اقتصادی نوین

فخرالدوله بر خلاف پدرش، از هوش نسبتاً بالایی برخوردار بود. افزون بر این، دختر مظفرالدین شاه جرئت فراوانی برای ریسک‌پذیری در فعالیت‌های اقتصادی داشت. او معتقد بود، دیر باز و دیر باید از اقتصاد سنتی عبور کرد و شیوه‌های نوین را در این زمینه مورد استفاده قرار داد. برخی مورخان، او را نخستین کسی می‌دانند که زمزمه ایجاد بورس ملی را سر داد؛ آن هم در شرایطی که او ضاع مملکت چندان به سامان نبود و اقتصاد ایران در مسیر ورشکستگی گام بر می‌داشت. بنابر این، می‌توان فخرالدوله را در زمره اقتصاددانان نواندیش ایران قرار داد؛

هر چند که آرزوی وی تا ۱۲ سال بعد از مرگش محقق نشد.

### ■ رئیس‌ه‌شوفرهای تاکسی!

استفاده از تاکسی به عنوان وسیله نقلیه عمومی در ایران نیز، ابتکار فخرالدوله بود. ظاهراً او در سفر حج و هنگام عبور از قاهره در حدود سال ۱۳۰۱ خورشیدی، با دیدن وسایل نقلیه عمومی، به فکر راه اندازی شرکت تاکسیرانی در ایران افتاد و بعد از بازگشت، این کار را آغاز کرد. با این حال، هنوز مردم به تاکسی روی خوش نشان نمی‌دادند و چند سالی وقت لازم بود تا شرکت تاکسیرانی فخرالدوله بتواند جای خود را در میان مردم باز کند و تعدادی از درشکه‌داران تهران را وادارد که وسیله خود را بفروشند و تاکسی بخرند. نخستین مدل‌های خودرویی که برای تاکسی در نظر گرفته شد، مربوط به کارخانه «فورد» بود. فخرالدوله با سرمایه شخصی به درشکه‌داران وام می‌داد تا بتوانند تاکسی خریداری کنند و به این ترتیب، این وسیله نقلیه عمومی ابتدا در تهران و سپس در سایر شهرهای کشور، مورد اقبال قرار گرفت. با این حال، فخرالدوله نتوانست ریاست تاکسیرانی را مدت زیادی حفظ کند و چندی بعد ناچار شد آن چهار ساخته است، به نوکیسه‌هایی واگذار کند که بارشاه‌ها ارتباط تنگاتنگی داشتند.

فخرالدوله روزهای پایانی عمر خود را در عزلت و بدون مرآه با دیگران گذراند. مرگ فرزند ارشدش حسین، اورا سخت پریشان کرده بود. به همین دلیل، تنها در باغ شخصی اش که امروزه محله الهیه تهران روی آن ساخته شده است، زندگی می‌کرد و فعالیت‌های اجتماعی وی به کفالت کودکان بی سرپرست و ساخت اماکن عام‌المنفعه عمومی محدود شده بود. فخرالدوله در سال ۱۳۲۸، مسجد بسیار زیبایی فخرالدوله را در خیابان فخرآباد در اه شمیران، ساخت. او در دی‌ماه سال ۱۳۳۴ دارفانی را وداع گفت. هر چند که وصیت کرده بود وی را در نجف دفن کنند، اما به دلایلی این کار میسر نشد و پیکر فخرالدوله را در گورستان این بابویه در شهرری، به خاک سپردند.

تاریخ جهان

درباره قدیمی ترین جمهوری آفریقایی

لیبریا؛ کشور بردگان آزاد شده



چیکینز، اثر ژان لوئیس فیس، جمهوری لیبریا

لیبریا کشوری با بیش از ۱۱۱ هزار کیلومتر مربع وسعت و افزون بر پنج میلیون نفر جمعیت، در حاشیه غربی قاره آفریقا قرار دارد. با این حال، شاید کمتر کسی بداند که این سرزمین، در میان انبوه کشورهای استعمارزده قاره سیاه، از سال ۱۸۴۷ دارای استقلال و نظام جمهوری است. لیبریا در قرن هفدهم، یکی از پایگاه‌های اصلی شکار برده برای انتقال به آمریکا و به کارگیری آن‌ها در مزارع بزرگ ایالت‌های جنوبی این کشور بود. اوایل قرن نوزدهم و در پی افزایش تعداد بردگان آزاد شده در آمریکا که باعث تشدید تشنج در میان بردگان در بند می‌شد، جیمز مدیسون، چهارمین رئیس جمهور آمریکا، برنامه‌ای را برای بازگرداندن بردگان آزاد شده به سرزمین اجدادی‌شان آغاز کرد. این برنامه شامل اجبار اتباع سیاه‌پوست آمریکایی به ترک بنگه دنیا و اسکان در منطقه‌ای در غرب آفریقا می‌شد؛ جایی که امروزه آن را بانام لیبریا می‌شناسیم. به دنبال این تصمیم، تعدادی از بردگان آزاد شده از روی جبر یا اختیار، راه آفریقا را در پیش گرفتند و به تدریج در لیبریا ساکن شدند. بین سال‌های ۱۸۲۲ تا ۱۸۴۷، تعداد سیاه‌پوستان مهاجر در لیبریا به شدت افزایش یافت. آن‌ها با بومیان وارد جنگ شدند و نتوانستند منطقه وسیعی را تصرف کنند. به این ترتیب، جمهوری لیبریا با زبان رسمی انگلیسی و پرچمی شبیه به پرچم آمریکا، بنیان گذاشته و جوزف جنکینز را برتر، به عنوان اولین رئیس جمهور لیبریا انتخاب شد. سیاه‌پوستان مهاجر انتظار داشتند که دولت آمریکا، آن‌ها را به عنوان یک ایالت در نظام فدرالی خود بپذیرد، اما دولت ایالات متحده که اصولاً برای اخراج بردگان آزاد شده تلاش می‌کرد، به این خواسته لیبرایی‌ها توجهی نکرد. طی چند دهه اخیر، لیبریا درگیر جنگ داخلی سنگینی بوده است؛ نبردی که به کشته شدن بیش از ۱۴ هزار نفر انجامید. جالب است بدانید که الن جانسون سیرلیف، نخستین رئیس جمهور زن در قاره آفریقا، در سال ۲۰۰۵، در لیبریا انتخاب شد.

# FARJAD ROCK CANDY

## نبات زعفرانی فرجاد

ارتباط با ما | ۰۵۱ - ۳۳ ۷۲ ۰۸۵۹

Contact us | 051 - 33 72 0859

www.farjadcandy.com